روزنامه همدلی

روزنامه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

دوشنبه ۷ اسفند ۱۴۰۲ _ ۱۶ شعبان ۱۴۴۵_ ۲۶ فوریه ۲۰۲۴- شماره ۲۳۷۱ _ سال هشتم
۸ صفحه _ قیمت ۱۰۰۰۰ تومان _ ضریب کیفی ۶۱۴
t.me/HamdeliNews newspaper.hamdeli@gmail.com hamdelidaily.ir

صاحب امتیاز , مدیر مسئول: ولی‌الله شجاع‌پوریان سردبیر: جلال خوش چهره

چاپ: صمیم ۴۴۵۳۳۷۲۵ - ۰۲۱ توزیع: نشر گستر امروز ۰۲۱۶۱۹۳۳۰۰۰

تهران- خیابان مطهری- نرسیده به تقاطع سهروردی- خیابان سنندج
خیابان زاهدان- پلاک ۸- واحد ۲- تلفکس: ۰۲۱۸۸۸۳۹۴۵۱ - ۰۲۱۸۸۸۴۹۸۴۳

با همیر واژه‌های معمولی

نقد و نظر بر دفتر شعر «واله» سروده‌ی شهرام بهمنی

به مردابی همانندم، به دور از پرتو ماهی

فیض شریفی
منتقد و پژوهشگر ادبیات

بهمنی ریشه در شعر کلاسیک دارد و وابستگی شـدیدی به شـعر حافظ دارد. بنابراین، شاعری ایشان در چهارچوب مفاهیم و صورخیال کهن قرار دارد. به‌طور مثال، ترکیب‌های تصویری که شاعر به‌کار می‌برد، در حوزه‌ی شعر قدیم کاربرد دارند: «آه و آتش سوزان این دل، بیداد زمان، شرقی شکر دهن، خوشه‌چین خرمن عشق، قمار عاشقی، برگ آس از چشـم تو، برکه‌ی بی‌ماه، آتش دل‌خانه‌ی عشـق، مرغک دل، پیرهن نم‌دار دل، بوسـه‌ی تب‌دار دل، دیوار دل، میوه‌ی غم، گرگ حسد و... .» کلمات و ترکیب‌های تصویری تشبیهی و استعاری رنگ و بوی شعر کلاسیک دارند، اما بهمنی گاهی با بیان و زبانی امروزی و محاوره‌ای از این تعبیرات فراروی می‌کند: «ببین چگونه به چشمت همیشه بد بودم/برای ساحل دورت، مدام مد بودم...» ... نه آن‌چنان به تو مشـغولم ای بهشتی روی!/ خودم برای خودم هم پر از حسـد بودم...» شاعر گاهی از شـاعرانی چون سـعدی و حافظ مصراع‌ها و ابیاتی می‌آورد و با آن شاعران نرد عشق می‌بازد، سطرهای دلنشینی تحویل این شاعران می‌دهد و با آنان با زبان امروز گفت‌وگو می‌کند: «این غزل هم می‌کند باز اقتباس از چشم تو/شاعری پر مایه‌ام بازم سپاس از چشم تو/خوشه‌چین خرمن عشق توام، ملاک دل!/در هراس از چین ابرو همچو داس از چشم تو/کار و بارم روز و شب اندیشه چشم تو هست/بی‌تعارف، گشته‌ام من آس و پاس از چشم تو/بس که حوای دو چشمت دست آدم می‌کشد/ غیرتم کرده مرا آدم‌شـناس از چشم تو/ در قمار عاشقی حکم از ازل، دل بوده‌است/شاه دل بیچاره شد چون برگ آس، از چشم تو...»

در این ترکیب‌ها؛ «آس و پاس از چشم تو، حوای دو چشم، برگ آس از چشم تو» که تمی تغزلی دارند، تهی از رنگ تازگی و طراوت نیسـتند. این ترکیب‌ها با ترکیب‌ها و تشبیه‌های کهنی، مثل: «خوشه چین خرمن عشق، چین ابرو همچو داس از چشم تو و قمار عاشقی» درهم‌می‌آمیزند تا شاعر پلی میان شعر کهن و جدید بزند. شاعر، قسمی از نگاه و جهان‌بینی‌اش حافظانه است: («صنما با غم عشـق تو چه تدبیر کنم؟» عشق غالب شده بر عقل و تعقل چه کنم؟) شـاعر در بخشـی از این اشـعار گرایش به اندیشه‌های عرفانی دارد. او مثل مولوی پای اسـتدلالیان را چوبین می‌داند، اما او مرید و مرادی و خانقاهی نیسـت. او عرفان حافظانه را با اندیشه‌های خیامی درهم‌می‌آمیزد: «باران بزند تو در کنارم باشی/در اوج خزان تو آن بهارم باشی/ هرچند که عاقلانه بودن جبر است/ ای عشق! فقط تو اختیارم باشی/ من کشته‌ی آن دو چشم مستت هسـتم/تا آخر عمر این شعارم باشـی...» بهمنی گاهی حرکت دوربین نگاهش را به سـمت آسـمان می‌برد، گاه پایین می‌آورد و عیـن و ذهن را با هـم درهم‌می‌آمیزد: «ای به جانت آتش و شـعله سراسر ریخته!/بر سرت آوار و کوهی ای برادر! ریخته/نام از آتش، نشان داری و مهرت آب باد/ از نگاهـت درد را در جان کوثر ریخته/پیش جانفشانی‌ات عقل از تفکر مانده‌است/ فهم پرپـر می‌زند، اوهام و باور ریخته...» شـاعر جلوه رنگارنگ طبیعت را گاه با نگاهی شـوریده، گاه نگران نظاره می‌کند و به این جاذبه‌ها با نوعی شیفتگی نظر می‌افکند و سپس از این حوزه فراتر می‌رود و شکایت می‌کند: «تنِ بی‌تاب پیچک‌ها، فقط آغوش می‌خواهد/لبم فریاد خاموشی، تنت را گوش می‌خواهد/شـبیه رعد سـوزانی درون سینه‌ی ابری/تظاهر کن نمی‌دانی، فقط سرپوش می‌خواهد/به مردابی همانندم، به دور از پرتو ماهی/ صدای فهم تنهایی، شبی خاموش می‌خواهد...»

قالب‌ها و اوزان و تعابیر سنتی در محیط خاصی پدید آمده‌اند و با بافت فکری و عاطفی شعر کهن همخوانـی دارند. از آن‌جا که، بافت و سـاختار زبان از اندیشـه قابل تفکیک نیستند، بنابراین، می‌توان گفت که به‌دلیل یکسـان بودن صورت بیان غزل‌های شهرام بهمنی با شکل و بیان اشعار کلاسیک، حرکت موثری در احساس و عاطفه‌ی شاعر صورت نگرفته و به‌تقریب بر ارث و میراث هنری شعر کهن چیزی علاوه نشده‌است. چون درواقع، شـعر در نوآوری و حرکت به‌جلو می‌رود و پایدار می‌ماند. شـعر باید زبان و نگاه جدیدی داشته باشـد. زمانی‌که باید تعابیر و ترکیب‌های تصویری تشبیهی و استعاری کهن به‌کار بروند، از حوزه‌ی کاربـرد زبان مدرن بیـرون می‌رود. ترکیب‌ها و کلمات «چشم خمار، خم‌خانه‌ی ناب، منزل جانان، اندوه فراق، بت معبد، کلبه‌ی احزان و گرگ خیال» و امثال این‌ها، از زبان شعر کهن اخذ شده‌اند و با زبان آرگو هماهنگی نشان نمی‌دهند. این گونـه غزل‌ها تابع صورخیال، آرایه‌ها، معانی و صورت‌های بیانی و لفظی قدیمی هسـتند و لبریز از مفاهیم عرفانی و عاشقانه‌اند که با فضای زندگانی امروزین فاصله دارند. شهرام بهمنی باید این سـیکل را کنار بگذارد، وارد شعر نیمایی و سـپید بشود و «دکلمه‌ی شعر سپید» را تابلوی خود قرار دهد: «تو همان دکلمه‌ی شعر سپیدم هستی/دیگر از خواندن اشعار دلم می‌گیرد...»

بپرند و بچرند!

شستت رو وا کن!

مرتضی فخری قاضیانی
نویسنده

پرستار، سرم رو به رگ دستم می‌زد و همزمان با لبخند گفت: «انگشـت شسـتت رو ببند و با انگشـت‌های دیگه، نگهـش دار!» گفتم: «چشـم!» و تا قطرات آخر سـرم، مشتمو بسته نگه داشـتم که برای واقعی جلوه دادن طرح شوخی‌ای که همون اول به ذهنم رسیده بود با پرسـتار تزریقات اجرا کنم اما او لحظه پایان سرمم نیومد و ناچار پرستار دیگری که نزدیکم بود، صدا کردم و گفتم سـرمم تموم شده. درحال باز کردن سرمم با لبخند پرسیدم: «می‌تونم دیگه انگشـت شستمو رها کنم؟!» و مشـتمو نشونش دادم! با شگفتی نگاهی به دستم کرد و گفت: «شما هنوز...؟ چرا که نه! همون چند لحظه اول سرم‌تون باید این کار رو می‌کردین! اما آفرین برشما که این‌قدر متعهد به مقرراتین!» جملـه آخرش طعنه‌آمیز بود چون با اون لبخندزیرکانه‌اش فهمیدم تو دلش می‌گفت: «عجب اوسکولیه دیگه این!» من که خودمو خوب می‌شناسم و می‌دونم نگه داشتن انگشت شسـتم با اون وضعیت نیم ساعت یا ۴۵دقیقه‌ای تزریق سرم، یه شوخی بود اما تو که سال‌ها شست‌های فکری و ذهنی‌ات رو با همه‌جور سوءتفاهمات القایی، بسته و در حال کبودی نگه داشتی، چطور؟ کی شستتو رها می‌کنی؟

کتاب

با تألیف محمدبن عبدالکریم شهرستانی منتشر شد؛

«مجلس مکتوب منعقد در خوارزم» و چگونگی پیدایش جهان

رساله مجلس مانند مجالس سبعه مولوی، مجلس وعظ و پند به مخاطبان بوده اسـت. شهرستانی در مجلس وعظ خود مفاهیم دوگانه امر و خلق را بـه تفصیل توضیح می‌دهد و نظرش را درباره چگونگی پیدایش جهان بیان می‌کند. شهرستانی (ح ۴۶۷ـ۵۴۸ه) متکلم، مفسر و فیلسوف برجسته شـیعی بود. در نظامیه نیشابور تحصیل کرد. در حدود ۲۰سالی که در مرو اقامت داشت، دو کتاب ملل و نحَل در معرفی فِرق و مذاهب و کتاب نهایة الاقدام فی علم الکلام را تألیف کرد. در ملل و نحل برخی آراء حسن صباح را نقد کرد، ولی در رساله مجلس، نظرش را تغییر داد. وی تفسیر مفاتیح الاسرار و مصابیح الابرار را در حدود ۵۴۰ در ترمذ نوشت. سپس به موطن خود شهرستانه (حوالی خراسـان فعلی) بازگشت و این رساله مجلس را نوشت. او در رساله مجلس از اصطلاحات تضاد، ترتـب و وحدت که از تعابیر خاص اسـماعیلی اسـت، بهره جست و این موضوع گرایش او را به فرقه اسماعیلیه نزاری تأئید می‌کند. شهرستانی در رسـاله مجلس به تبیین مفاهیم امر یا کُنْ یا وجود، و مفهوم خَلق می‌پـردازد و از این طریق نظرات مکاتب کلامی و فلسفی برخی متکمین و فلاسـفه چون ابن سینا در باب خدا و صفاتش را به چالش می‌کشـد. او در بند ۵۶ این رسـاله با نقل حدیثی از امام جعفر صادق علیه السـلام بـر خلاف نظر برخی متکلمیـن مانند معتزله، اشـاعره و کرّامیان، سخن گفته و بر نظر شیعی خود تأکید می‌کند. رساله مجلس مانند مجالس سـبعه مولوی، مجلس وعظ و پند به مخاطبان بوده. شهرسـتانی در مجلس وعظ خود مفاهیم دوگانـه امر و خلق را به تفصیل توضیح می‌دهد و نظرش را درباره چگونگی پیدایش جهان بیان می‌کند. در این نوع ادبی وعظ، شهرستانی مفاهیم جفتی مفروغ و مستأنف، شریعت و قیامت، تکلیف و تقدیر را که ویژه نزاریان اسـت، شرح می‌دهد. این رساله پیشتر در سـال ۷۵ در پایان تفسیر مفاتیح الاسـرار که مؤسسـه پژوهشی میراث مکتوب به کوشـش محمدعلی آذرشب منتشر کرد، به عربی برگردانده شده و داریوش محمدپور این رسـاله را با نسخه نویافته دیگری تصحیح و با نوشتن مقدمه مبسوطی آن را برای نشر آماده کرد.مقدمهٔ مفصل انگلیسی این اثر کمک خوبی برای اسـتفاده علاقه‌مندان بیشتر است. این اثر ۳۸۸ امین عنوان (۴۵۶ امین جلد) از منشورات مؤسسـه پژوهشـی میراث مکتوب است که با همکاری مؤسسـه مطالعات اسماعیلی در لندن منتشر می‌شود. طبعاً همکاری این مؤسسه معتبر بین‌المللی با میراث مکتوب نشانگر معتبردانستن آثار پژوهشـی مؤسسه ایرانی است که در سطح جهان با مؤسسات و مراکز علمی اسلام‌شناسی همکاری دارد. مجلس مکتوب منعقد در خوارزم در ۲۶۳صفحه با جلد سخت به قیمت ۲۴۰هزار تومان از سوی موسسه پژوهشی میراث مکتوب منتشر شده است.

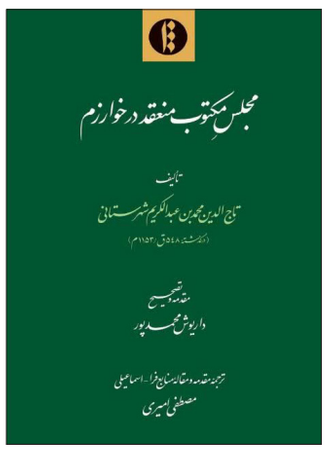

در یک چه

رونالدو کونها دیاز - برزیل

یا شاعران امروز

حیات فرخ منش

(۱)

برای عزیز نخل وبلوط
سید علی صالحی

پرواز از ارتفاع می روید
بیزار از چشم های ناپاک
برادر شیرکوه با کس ام
زاگرس ام
البرز کوه ام
ایران ام
فرزند ایران ام
دماوندم

(۲)

مومیا
خیری اما ندیده‌ام
سبزه بر واژه بودم
سنگریزه های کودکی به لیز پرندگان
به نام که می‌خوانی ام
اهرام بچرخان
بر تختگاه بی‌قراری
مومیای عشقم کن
تاب نمی‌آورم
بگیرانم از مرگ
عاصی ام
بپوشان و بگریزانم
از حیرانی رمنده گورکن
در هجوم قطار شانه‌های پر تاول از تابوت

دانستنی

دنیای ضرب‌المثل‌ها

راضیه خندانی
شاعر

دنیای ضرب‌المثل‌ها هم عجیب است. فکر کنید یک مشت جملات با معنی و کنایه آمیز که طعم گس ولی شیرینی دارند. این جملات سالخورده برگرفته از تجربیات قرن ها زندگی بشـریت هست و اولین بار چه کسی چنین گس ولی شیرین تجربیاتش را در اختیار بشریت گذاشته را فقط خدا می دانـد، و البته برای بعضی از ضرب المثل ها هم داستان‌هایی هست که در مورد اینکه از چه موضوعی به این جمله گس الود شـیرین رسیده اند سخن گفته اند. ولی حقیقتا آن انسان اولیه که این جور لطیف حق مطلب را بیان کرده است دست مریزاد دارد. و مسلما بیشتر این ضرب‌المثل های امروزی دست خورده و تغییر یافته نوع اولیه این جملات هستند. به عنوان مثال ضرب المثل: «آب که از سرگذشت گذشت چه یک وجب چه صد وجب.» که کنایه از زمانی است که کار خراب می‌شود و آنچه نباید بشود شده است دیگر و زیاد و کمش فرقی نمی کند. شکل گفتاری اولیه آن اینگونه بوده است که: در فصل سرما، آب که از سـر گذشت در جیحون چه به سری چه به وجبی چه به نیزه ای چو به زرعی. یا موضوعی که در باب ضرب المثل ها جلب توجه می کند این اسـت که هر کشوری این جملات شـیرین بیان مختص به خود را دارد، و این هنر در ذات همه مردم جهان نهفته است که گاهی حق مطلب حرفشـان را با طعم گس خرمالو بیان کنند. مثلا مردم کشور کره در رابطه با این تفکر که همه، هر چقدر هم ماهر و عاقل باشند، ممکن است اشتباه کنند را با این ضرب المثل حتی میمون‌ها هم از درخت می افتند بیان می‌کنند. و جالب اینجاست که گاهی ضرب المثل های یک کشور ریشه در یک کشور دیگر دارد. به عنوان مثال آب از سرچشمه گل آلود است، که از بی کفایتی و تدبیر نادرست شخصی که در رأس آن امور است، سرچشمه می گیرد؛ چرا که تا آب از سرچشمه گل آلود نباشد، تیرگی به آن نمی‌گذرد و زلالی و روانی آن حفظ می‌شود، از زبان بیگانه به فارسی ترجمه شده است؛ که «میرخواند» آن را به افلاطون و عطار نیشـابوری آن را به عارف عالیقدر ابو علی شقیق بلخی و برخی به عربشامی نسبت می‌دهند. ولی چیزی که در این میانه به دیده واضح است، این است که این سخن از هرکس و هر کشوری باشد، ابتدا به زبان عـرب در آمده و از آنجا به زبان فارسـی منتقل گردیده اسـت. ولی بنا به تحقیقات ادبی باید ریشه این عبارت را از گفتار افلاطون دانست که بعدها متأخران آن را به صور و اشـکال مختلف درآورده‌اند. به هرحال بدیهی است که ضرب المثل ها همچون اقیانوس بیکرانی از نسل‌های دور زبان به زبان در جریان هستند. و آنچه حائز اهمیت است معنی جمله است، که در بسیاری از شرایط نه تنها باعث زیبایی و شیوایی سخن گوینده می‌شود بلکه اینگونه حق مطلب هم دلنشین تر در قلب شنونده اطراق می کند. و چه هنری دارد آن هنرمندی که بتواند، در زمان مناسب از این جملات پر کاربرد در سخن ورزی خود استفاده کند و کام مخاطب را همانند شیرینی نقلی شیرین کند. زیرا استفاده از هر کدام از این سخنان دلنشین هم احتیاج به زمان و مکان مناسب دارد تا به درست ادا کردن حق مطلب کمک کند. به قول معروف هر سـخن جایی و هر نکته مکانی دارد. و برای استفاده از هر ضرب المثل باید مطابق با وضع و حال موجود از آن ضرب المثل اسـتفاده کرد. پس، چه خوب است که در دایره‌المعارف جملاتمان ضرب المثل های گس الود اما شیرین را جا بدهیم تا هم به زیبایی و هم به اثربخشی سخنانمان بیافزاییم، و دست این جملات ناب را به دست آیندگان بگذاریم.

حافظه تاریخی

سالروز درگذشت علی‌اکبر دهخدا
ادیب و فعال سیاسی آزادی‌خواه

هفتم اسفندماه سال‌روز درگذشت علی‌اکبر دهخداست؛ کسی که حق‌التألیف لغت‌نامه‌اش را به ملت ایران بخشید. علی‌اکبر دهخدا، داستان‌نویس، شاعر، طنزپرداز، روزنامه‌نگار و مبارز سیاسـی، سال ۱۲۵۸هجری شمسی در محله‌ی سنگلج تهران به دنیا آمد. در سال ۱۲۷۱ مطالعه و آموزش صرف و نحو عربی و اصول و فقه اسلامی را آغاز کرد. یک سال بعد به تحصیل در مدرسه علوم اسلامی مشغول شد و در سال ۱۲۸۰ به عنوان دستیار محمدحسین فروغی به تدریس ادبیات فارسی در مدرسه علوم سیاسی پرداخت. دهخدا در سال ۱۲۸۲ برای مأموریت از طرف سفارت ایران، به وین، رم، بخارست و پاریس سفر کرد و دو سال بعد به ایران بازگشت. در سال ۱۲۸۵ در امور راه‌داری و راه شوسه در خراسان به کار مشغول شد و در عین حال به فعالیت‌های سیاسی علاقه‌مند بود. مجله معروف «صوراسرافیل» را در سـال ۱۲۸۶ منتشر کرد تا این‌که یک سال بعد و پس از انتشار ۳۲شماره، مجله بسته شد. بسیاری از انقلابیون و مشـروطه‌خواهان، محاکمه، تبعید و یا اعدام شدند. میرزا جهانگیرخان شـیرازی در باغ شاه کشته شد و دهخدا به سـوییس گریخت و آن‌جا هم چند شماره‌ای از مجله را منتشـر کرد. او شعر معروف «یاد آر ز شمع مرده یاد آر» را شبی، پس از به‌خواب دیدن جهانگیرخان سرود. دهخدا هم‌زمان با آغاز جنگ جهانی اول مخفیانه به ایران بازگشت و تـا پایان جنگ نزد خوانین چهارمحال و بختیاری ماند. آن‌جا با استفاده از کتابخانه خطی و سنگی یکی از خوانین، کار تألیف و گردآوری «امثال و حکم» و «لغت‌نامه» را شروع کرد. در سال ۱۳۳۴ حاشیه‌ای بر دیوان ناصرخسرو نوشت و دو سال بعد هم حاشـیه‌ای بر دیوان حافظ. دهخدا در فاصله سال‌های ۱۳۰۸ تا ۱۳۱۱ چهار جلد «امثال و حکم» را از سـوی وزارت فرهنگ وقت به چاپ رسانید و اولین جلد لغت‌نامه‌اش نیز در سال ۱۳۱۸ منتشر شد. در سال ۱۳۲۰ از مدرسه عالی حقوق و علوم سیاسی بازنشسته شد. این مبارز سیاسی همچنین از مسؤولان کنگره نویسندگان، متشـکل از چهره‌هایی چون صادق هدایت، عبدالحسین نوشین، پرویز ناتل خانلری، علی‌اصغر حکمت، کشاورز، نیما یوشیج، پرتو علوی و احسـان طبری بود. در سال ۱۳۲۹ حاشـیه‌ای بر کتاب معروف «لغت فرس» اسدی توسی نوشت و در سال ۱۳۳۲ وقتی رادیو لندن از او درخواست مصاحبه‌ای داشـت، پاسـخش این بود که: «من کاره‌ای نیسـتم، با جوان‌ها گفت‌وگو کنید». دهخدا که در تاریخ فرهنگ و ادبیات ایران چهره‌ی درخشانی است، در جریان کودتای ۲۸مرداد و به‌خاطر دوستی با مصدق مورد بازجویی قرار گرفت. بازجویی‌ها از او در دادستانی ارتش تا نیمه‌شب ادامـه پیدا کرد، تا این‌که او را در سـرما و در خیابان رها می‌کنند. دهخدا بعد از این واقعه با ابتلا به سـینه‌پهلوی شدید، سرانجام در هفتم اسـفندماه سال ۱۳۳۴ زندگی را بدرود می‌گوید. او در واپسـین روزهای عمرش، نامه‌ای به رییس مجلس شـورا نوشت و حق‌التألیف لغت‌نامه‌اش را به ملت ایران بخشـید. معروف اسـت که دهخدا بر اثر نوعی سـرخوردگی ناشـی از فضای سیاسی و اجتماعی وقت، به لغت‌نامه‌نویسـی (حدود ۳۰سـال) در زیرزمین منزلـش روی آورد و بدین ترتیب، ادبیات معاصر ایران از خلاقیت‌آفرینی یکی از داستان‌نویسـان خوش‌قریحه‌اش محروم ماند. از جمله آثار ماندگار دهخدا تدوین لغت‌نامه بود؛ کاری که هنوز منشأ تدوین و تألیف سرفصل بسیاری از فرهنگ‌نامه‌هاست.

جزئیات سعدی

تو را ز حال پریشان ما چه غم دارد
اگر چراغ بمیرد صبا چه غم دارد
تو را که هر چه مرادست می‌رود از پیش
ز بی مرادی امثال ما چه غم دارد
تو پادشاهی گر چشم پاسبان همه شب
به خواب درنرود پادشا چه غم دارد
خطاست این که دل دوستان بیازاری
ولیک قاتل عمد از خطا چه غم دارد
امیر خوبان آخر گدای خیل توایم
جواب ده که امیر از گدا چه غم دارد
بکی العذول علی ماجری لاجفانی
رفیق غافل از این ماجرا چه غم دارد

مجازستان

- به یاد دوران کودکی تا صبح بیدار موندم. برف که شروع شـد بیدار موندم تا همه جا سفیدپوش بشـه و خیالم راحت بشه امروز تعطیله؛ در همین حـال ندایی آمد که احمق امـروز از قبلم تعطیل بود. (ملک‌الشعرای باحال)
- بدترین نوع دل تنگی، دل تنگی برای کسـیه که از دنیا رفته. هیچ امیدی، مطلقاً هیچ کورسوی امیدی به دوباره دیدن و لمس کردن و حرف زدن باهاش نـداری و فقط با نگاه کردن به یادگاری‌ها و خوندن و گوش دادن به مسـیج‌هاش شـکنجه می‌شی.. (نگار)
- وقتـی مهمان دارید و بچـه‌ی کوچیک داره، حتمـا از اونم مثل بزرگتـرا پذیرایی کنید. براش بشـقاب بذارید، ازش بپرسـید چای و شـربت می‌خوره یـا نه؟ اگه فرصت داشـتید، یه غذا رو مخصوص اون درسـت کنید و این رو بهش بگید. (مهشید جهانگرد)
- آقا تورو خدا از من تو خیابون آدرس نپرسید، تا فرداش همش می‌شینم فکر می‌کنم تونستن برن یا نه (روانشناسِ روانی)

دنیای علم

آزمایش ترمیم زانو با غضروف بینی!

به زودی یـک کارآزمایی بالینی اسـتفاده از غضروف بینی را برای بازسـازی مفاصل زانو که به شدت در اثر آرتروز سـاییده شده و آسـیب دیده‌اند، بررسی خواهد کرد. پژوهشگران با اثبات اینکه مقدار کمی از غضروف برداشته شـده از بینی را می‌توان برای ترمیم زانوهای آسیب دیده استفاده کرد، به زودی یک کارآزمایی بالینی را برای بررسی اینکه آیا می‌توان ازاین روش برای بازسازی مفاصلی که به شـدت در اثر آرتروز سـاییده شده‌اند، اسـتفاده کرد یا خیر، آغاز خواهند کرد. به نقل از ان‌ای، در صورت موفقیت آمیز بودن این کارآزمایی، این روش می‌تواند یک درمان جایگزین برای شرایط ناتوان کننده حاصل از آرتروز باشد. کشکک زانو، استخوان کوچکی در جلوی مفصل زانو است که در آن استخوان ران(فمور) و استخوان ساق پا(درشت نی) به هم می‌رسند و در شیاری در بالای استخوان ران به نام شیار تروکلار قرار دارد.زمانی که زانو خم و صاف می‌شود، کشکک در داخل این شیار به جلو وعقب می‌لغزد. غضروف لغزنده مفصلی، انتهای استخوان ران، شـیار تروکلار و قسمت زیرین کشکک را می‌پوشـاند و حرکت روان را تضمین می‌کند، اما در آرتروز از نوع اسـتئوآرتریت پاتلوفمورال(PFOA)،این غضروف، فرسـوده و ملتهب می‌شود و در موارد شدید، موجب سایش استخوان زیرین می‌شود آرتروز بیماری بسیار شایعی است که در تمام مناطق جغرافیایی دیده می‌شود.به این بیماری، ساییدگی مفصل، ورم مفاصل و استخوان‌ها و آماس مفصلی‌استخوانی نیز گفته می‌شود. آرتروز یـک بیماری تخریبی پیش‌رونـده در غضروف مفاصل اسـت، ولی بر خلاف روماتیسـم مفصلی یک بیماری التهابی نیست، چون التهاب در این بیماری یک عارضه ثانویه است.در آرتروز، تحلیل غضروف مفصلی و درگیری استخوان زیر غضروفی داریم که باعث التهاب بافت‌های اطراف می‌گردد. این عارضه ممکن اسـت هر یک از مفاصل را درگیر سـازد، ولی شایع‌ترین مفاصل درگیر شامل مفاصل دست ،پا، زانو، ران و ستون فقرات هسـتند.این بیماری بسیار شایع است و در ۲۵درصد از ویزیت‌های پزشـکان عمومی و ۸۰درصد از رادیوگرافی افراد بالای ۶۵سال دیده می‌شود که البته فقط ۷۰درصد از آنان علامت دارند.اکنون پژوهشگران دانشگاه ژولیوس ماکسیمیلیانز ورزبورگ در آلمان به زودی این آزمایش بالینی را با استفاده از غضروف برداشته شده از بینی برای ترمیم غضروف فرسوده زانو آغاز خواهند کرد.

پروفسـور اولیور پولیگ سرپرست این مطالعه و رئیس گروه مهندسی بافت و پزشکی احیا کننده در بیمارستان دانشـگاه ورزبـورگ می‌گوید: ما یک تکـه کوچک از غضروف را از تیغه بینی بیمارانمان می‌گیریم، آن را روی یک ماتریکس کلاژن حمایت کننده سـاختاری کشت می‌کنیم و آن را به مدت چهار هفته در زانوی آسـیب دیده می‌کاریم تا غضروف را بازسـازی کند. سلول‌های غضروف بینی از نظر انعطاف‌پذیری مکانیکی بسیار شبیه به سلول‌های غضروف زانو هستند و می‌توانند به راحتی در آزمایشگاه رشد کنند.یک مطالعه پیشین تحت هدایت پژوهشگران بیمارستان دانشگاه بازل در سوئیس، ایمنی و اثربخشی این روش بازسازی غضروف را در آسیب‌های غضروفی موضعی و کاملاً مشـخص تایید کرده است. اکنون این مطالعه جدید با روشـی موسـوم به EN-CANTO که مخفف عبارت «غضروف مهندسی شده بینی برای درمان آرتروز» اسـت، بررسی می‌کند که آیا این روش می‌تواند در موارد پیچیده‌تری مانند PFOA استفاده شود یا خیر. کارآزمایی بالینی ENCANTO قرار است در آغاز سـال ۲۰۲۵ جذب شرکت‌کنندگان را آغاز کند. همچنین انتظار می‌رود مطالعه دیگری در سـوئیس که به درمان PFOA نیز می‌پردازد،تا پایان سال ۲۰۲۴ شـروع به پذیرش داوطلبان کند. پروفسور پولیگ می‌گوید اگر این کارآزمایی بالینی نشان دهد که ایمپلنت‌های غضروفی جایگزین مناسـبی برای درمان فعلی PFOA است که شامل بازسازی مجدد این ناحیه با پروتز به وسیله جراحی است،می‌توانند درمان تخریب غضروف را متحول کنند.